

۹۷۹ کدام دانش به این سؤال که «آیا در هستی، قانون علیت جاری است یا نه؟» پاسخ مناسب‌تری می‌دهد؟

- ۱ معرفت‌شناسی
- ۲ فلسفه طبیعت
- ۳ وجودشناسی
- ۴ فلسفه مضاف

۹۸۰ بخش اصلی و ریشه‌ای فلسفه به دو بخش تقسیم می‌شود. زیرا.....

۱ بخش اصلی فلسفه، درباره قوانین و احکام کلی و عام حاکم بر هستی و وجود بحث می‌کند.

۲ بخش اصلی فلسفه، توانایی انسان در شناخت هستی را مورد مطالعه قرار می‌دهد.

۳ معرفت به وجود، فرع بر امکان شناخت آن است.

۴ فیلسوفان تلاش می‌کنند قوانین و احکامی را که مربوط به خود هستی و وجود است به دست آورند.

۹۸۱ هستی‌شناسی همانا شناخت احکام ..... حاکم بر وجود و هستی است و معرفت به وجود ..... بر ..... شناخت است.

- ۱ کلی و عام - مقدم - چیستی
- ۲ جزئی و خاص - فرع - چیستی
- ۳ جزئی و خاص - مقدم - امکان
- ۴ کلی و عام - فرع - امکان

۹۸۲ دانشی که درباره قوانین و احکام کلی و عام حاکم بر هستی و وجود بحث می‌کند و دانشی که توانایی انسان در شناخت هستی را مورد مطالعه قرار می‌دهد به ترتیب عبارتند از:

- ۱ معرفت‌شناسی - هستی‌شناسی
- ۲ هستی‌شناسی - وجودشناسی
- ۳ فلسفه‌های مضاف - هستی‌شناسی
- ۴ هستی‌شناسی - معرفت‌شناسی

۹۸۳ بحث و بررسی قوانین و احکام کلی و عام حاکم بر هستی و وجود را می‌توان به عهده کدام دانش مربوط دانست و واژه مترادف آن کدام است؟

- ۱ هستی‌شناسی - معرفت‌شناسی
- ۲ معرفت‌شناسی - شناخت‌شناسی
- ۳ هستی‌شناسی - وجودشناسی
- ۴ وجودشناسی - شناخت‌شناسی

۹۸۴ کدام یک از موارد زیر در بخش اصلی فلسفه بررسی نمی‌شود؟

- ۱ اصل و حقیقت وجود
- ۲ احکام و قوانین هستی
- ۳ مسائل پیرامون وجود
- ۴ معرفت و شناخت موجودات

۹۸۵ کدام گزینه، این عبارت را به درستی کامل می‌کند: «دو شاخه اصلی و ریشه‌ای فلسفه را ..... یک شاخه دانست، زیرا.....»

۱ نمی‌توان - فلسفه که علم درباره هستی است، در حقیقت همان وجودشناسی است و معرفت و علم به عنوان یکی از اقسام هستی، در داخل همان وجودشناسی قرار می‌گیرد.

۲ می‌توان - فلسفه که علم درباره هستی است، در حقیقت همان وجودشناسی است و معرفت و علم به عنوان یکی از اقسام هستی، در داخل همان وجودشناسی قرار می‌گیرد.

۳ نمی‌توان - به علت مباحث فراوان معرفت‌شناسی، این بخش توسعه فراوانی یافته و امروزه با عنوان مستقل معرفت‌شناسی مورد بحث قرار می‌گیرد.

۴ می‌توان - به علت مباحث فراوان معرفت‌شناسی، این بخش توسعه فراوانی یافته و امروزه با عنوان مستقل معرفت‌شناسی مورد بحث قرار می‌گیرد.

۹۸۶ کدام سؤال به حوزه معرفت‌شناسی مربوط می‌شود؟

۱ آیا یادآوری خاطرات خوشایند، بر همه انسان‌ها تأثیر یکسان دارد؟

۲ اگر حافظه جایی در مغز داشته باشد، خاطره یک کوه را چگونه می‌توان جای داد؟

۳ آیا فعالیت‌های مغز در زمان مرور خاطرات خوش و خاطرات رنج‌آور، یکسان است؟

۴ زمانی که انسان محبت نسبت به کسی را در خود احساس می‌کند، آیا در مغز او نیز اتفاقی می‌افتد؟

۹۸۷ شاخه‌های دانش فلسفه، قوانین بنیادی ..... و ..... را به محدوده‌های خاص منتقل می‌سازند و قوانین بنیادی آن محدوده از ..... را بیان می‌کنند.

- ۱ وجودشناسی - معرفت‌شناسی - وجود
- ۲ معرفت‌شناسی - وجودشناسی - معرفت
- ۳ وجودشناسی - هستی‌شناسی - وجود
- ۴ معرفت‌شناسی - فلسفه مضاف - معرفت

۹۸۸ کدام گزینه صحیح است؟

۱ بخش اصلی فلسفه همان ستون آن است.

۲ معرفت به وجود همان امکان شناخت آن است.

۳ بخش ریشه‌ای فلسفه از هستی و وجود بحث می‌کند.

۴ بخش ریشه‌ای فلسفه، فقط همان هستی‌شناسی است.

۹۸۹ نسبت میان هستی‌شناسی و وجودشناسی مانند نسبت بین ..... و ..... است.

- ۱ کوه و کوه دماوند
- ۲ لباس و پیراهن
- ۳ میوه و شیرین
- ۴ مثلث و سه‌ضلعی

۹۹۰ کدام یک از پرسش‌های زیر مربوط به بخش اصلی و ریشه‌ای فلسفه است؟

- ۱ قانون دوم نیوتون چرا وجود دارد؟
- ۲ چرا خوبی و بدی در جهان وجود دارد؟
- ۳ اولین علم بشر که به وجود آمد، چه بود؟
- ۴ جهان رو به سوی پیشرفت دارد یا زوال؟

۹۹۱ کدام عبارت درباره‌ی گزاره‌ی زیر صحیح است؟

«هستی‌شناسی فیلسوفان، تأثیرگذار بر انسان‌شناسی آنان است.»

- ۱ فلسفه کانت از گزاره‌ی بالا، پیروی نمی‌کند.
- ۲ عکس گزاره‌ی بالا صحیح نمی‌باشد.
- ۳ این عبارت بدان معناست که آرای یک فیلسوف در خصوص مسائل بنیادی، با یک‌دیگر تناقض ندارد.
- ۴ گزینه‌های ۲ و ۳

۹۹۲ کدام گزاره به اصلی‌ترین بنیاد فلسفه که شکل‌دهنده‌ی شاخه‌های آن است، اشاره دارد؟

- ۱ قانون علیت در سراسر جهان حاکم می‌باشد.
- ۲ آغاز فلسفه همراه با پرسش‌های بنیادین و از یونان باستان بود.
- ۳ انسان ذاتاً مدنی بالطبع است.
- ۴ برخی از فضائل اخلاقی ذاتاً ارزشمند هستند.

شاخه‌های فلسفه

صفحه ۱۴ کتاب درسی

۹۹۳ کدام یک از گزینه‌های زیر، در زمره‌ی فلسفه‌های مضاف به شمار نمی‌رود؟

- ۱ فلسفه علم
- ۲ فلسفه هنر
- ۳ فلسفه اخلاق
- ۴ فلسفه اولی

۹۹۴ به ترتیب کدام گزینه به ریشه‌ی فلسفه، شاخه‌های فلسفه و دانش‌های خاص اشاره می‌کند؟

- ۱ فلسفه تکنولوژی - معرفت‌شناسی - علم فیزیک
- ۲ وجودشناسی - معرفت‌شناسی - فلسفه اخلاق
- ۳ فلسفه فرهنگ - علم شیمی - وجودشناسی
- ۴ معرفت‌شناسی - فلسفه حقوق - زیست‌شناسی

۹۹۵ درباره‌ی فلسفه‌های مضاف نمی‌توان گفت:

- ۱ به فلسفه فرهنگ و فلسفه حقوق، فلسفه‌های مضاف می‌گویند. زیرا کلمه‌ی فلسفه به کلمه‌ای که نام آن دانش یا موضوع خاص است، اضافه می‌شود.
- ۲ میان هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی هر فیلسوف با فلسفه‌ی مضاف او رابطه وجود دارد.
- ۳ به عنوان یکی از اقسام هستی، در داخل همان وجودشناسی قرار می‌گیرد و امروزه با عنوان مستقل مطرح می‌شوند.
- ۴ آنچه در فلسفه‌های مضاف پذیرفته شود، اساس و شالوده‌ی نظریات در علوم قرار می‌گیرد.

۹۹۶ کدام عبارت درست نیست؟

- ۱ مبانی و زیربنای علوم در معرفت‌شناسی قرار دارند.
- ۲ فلسفه‌های مضاف، آن دسته از دانش‌های فلسفی‌اند که قوانین بنیادی وجودشناسی و معرفت‌شناسی را به محدوده‌های خاص منتقل می‌سازند.
- ۳ آنچه در فلسفه‌های مضاف پذیرفته شود، اساس و شالوده‌ی نظریات در علوم قرار می‌گیرد.
- ۴ امروزه دامنه‌ی فلسفه‌های مضاف بسیار توسعه یافته و ناظر به بسیاری از پدیده‌ها یا رشته‌های علمی، شاخه‌هایی از فلسفه شکل گرفته‌اند.

۹۹۷ هرگاه فلسفه در پی تبیین ..... اصول و مبانی علوم مختلف باشد، در این صورت به این شاخه از فلسفه، ..... می‌گویند.

- ۱ عقلانی - فلسفه اولی
- ۲ علمی - فلسفه مضاف
- ۳ علمی - فلسفه آن علم
- ۴ عقلانی - فلسفه مضاف

۹۹۸ مبانی و زیربنای علوم در کدام دانش قرار دارند و اساس و شالوده‌ی نظریات علوم مختلف در کدام دانش بررسی می‌شود؟

- ۱ فلسفه‌های مضاف - فلسفه‌های مضاف
- ۲ وجودشناسی - معرفت‌شناسی
- ۳ فلسفه‌های مضاف - معرفت‌شناسی
- ۴ معرفت‌شناسی - وجودشناسی

۹۹۹ کدام گزینه در ارتباط با فلسفه مضاف درست است؟

- ۱ آنچه در علوم مختلف پذیرفته می‌شود، اساس و شالوده‌ی نظریات فلسفه‌های مضاف قرار می‌گیرد.
- ۲ مبانی و زیربنای فلسفه‌های مضاف در علوم مختلف قرار دارند.
- ۳ میان هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی یک فیلسوف با فلسفه‌ی مضاف آن فیلسوف رابطه وجود دارد.
- ۴ امروزه به دلیل توسعه بسیار علوم مختلف، نمی‌توان برای هر رشته‌ی علمی، شاخه‌ای از فلسفه در نظر گرفت.

هرگاه با استفاده از روش عقلی و استدلالی به بررسی کاربرد یک علم پردازیم با ..... روبه‌رو هستیم که در زمره ..... به شمار می‌رود.

- ۱۰۰۰ فلسفه آن علم - مضاف
- ۱ فلسفه آن علم - مضاف
- ۲ فلسفه آن علم - اولی
- ۳ فلسفه آن علم - اولی
- ۴ فلسفه - مضاف

(سراسری خارج)

۱۰۰۱ کدام عبارت توصیف درستی از حیطه‌های فلسفه ارائه می‌دهد؟

- ۱ فلسفه اولی، پل ارتباطی میان فلسفه‌های مضاف و دانش‌های بشری است.
- ۲ فلسفه اولی بخش اصلی فلسفه است که ریشه و شاخه‌های فلسفه را در بر می‌گیرد.
- ۳ فلسفه‌های مضاف، مسائل خاص فلسفه را وارد حیطه‌های گوناگون علوم و فنون می‌کنند.
- ۴ هر شاخه فلسفه، قسمتی از فلسفه است که بنیان آن را یکی از شاخه‌های علوم می‌سازد.

۱۰۰۲ کدام گزینه صحیح نیست؟

- ۱ شاخه‌های فلسفه قوانین هستی‌شناسی را به محدوده‌های عام رشته‌های مختلف علوم وارد می‌کنند.
- ۲ بخش ریشه‌های فلسفه از ۲ قسمت تشکیل شده است.
- ۳ بخش ریشه‌های فلسفه شامل بررسی توانایی انسان در شناخت نیز است.
- ۴ هر رشته علمی می‌تواند دارای شاخه‌ای از فلسفه باشد.

۱۰۰۳ وجه تسمیه فلسفه مضاف کدام است؟

- ۱ ورود قوانین هستی‌شناسی به محدوده آن دانش
- ۲ کلمه فلسفه به آن دانش خاص افزوده شده است.
- ۳ مطالعه توانایی انسان در شناخت آن محدوده از علم
- ۴ توسعه دامنه این دانش‌ها

۱۰۰۴ موضوع مورد بررسی در بخش ریشه‌های فلسفه بین موجودات ..... است و فلسفه‌های مضاف تنها قوانین وجودشناسی را به محدوده‌های خاص رشته منتقل ..... .

- ۱ متفاوت، نمی‌کند
- ۲ متفاوت، می‌کند
- ۳ مشترک، نمی‌کند
- ۴ مشترک، می‌کند

۱۰۰۵ کدام گزینه در خصوص نام‌گذاری علوم، صحیح نمی‌باشد؟

- ۱ نام‌گذاری علوم، گاه‌ب‌گاه براساس روش آن علم صورت می‌پذیرد.
- ۲ نامی که بر علم خاصی نهاده می‌شود، حاکی از نوع فعالیت و هدف آن علم است.
- ۳ بی‌شمار نام برای علوم وجود دارد و این نام‌گذاری تا ابد ادامه دارد.
- ۴ نام‌گذاری علوم کاری به فلسفه ندارد و از حیطه آن خارج است.

۱۰۰۶ کدام گزینه در خصوص فلسفه مضاف صحیح است؟

- ۱ هر موضوع با اهمیتی که توجه مردم را به خود جلب کرده، فلسفه‌ای پیدا کرده است.
- ۲ در مرحله بعد از علم خاص قرار می‌گیرد.
- ۳ برای برخی از رشته‌های علمی نمی‌توان فلسفه مضاف فرض کرد.
- ۴ با تأمل فیلسوفانه در مورد هر یک از دانش‌های بشری، فلسفه آن دانش شکل می‌گیرد.

۱۰۰۷ کدام گزینه، جاهای خالی عبارت زیر را به درستی تکمیل می‌کند؟

- ۱ «امروزه دامنه فلسفه ..... بسیار توسعه یافته و شاخه‌های جدیدی مانند ..... شکل گرفته است.»
- ۲ اولی - معرفت‌شناسی
- ۳ مضاف - هستی‌شناسی
- ۴ اولی - فلسفه تکنولوژی
- ۵ مضاف - فلسفه تکنولوژی

**فلسفه‌های مضاف و علوم**

صفحه ۱۵ تا ۱۷ کتاب درسی

۱۰۰۸ کدام گزینه با دیگر گزینه‌ها یکسان نیست؟

- ۱ چرا مجازات یک مجرم با مجرم دیگر متفاوت است؟
- ۲ وجود بر دو قسم مادی و مجرد است.

۱۰۰۹ بحث و بررسی کدام مسئله را می‌توان به فلسفه علوم اجتماعی مربوط دانست؟

- ۱ آیا اصل علیت یک عادت ذهنی است؟
- ۲ آیا انسان دارای دو بُعد مادی و مجرد است؟
- ۳ آیا افراد اصالت دارند یا جامعه؟
- ۴ چرا حکومت دیکتاتوری در جوامع کمتر توسعه یافته شکل می‌گیرد؟
- ۵ آیا می‌توان گفت هم فرد اصالت دارد هم جامعه؟
- ۶ آیا وجود بر دو قسم مادی و مجرد از ماده است؟

۱۰۱۰ کدام یک از گزینه‌های زیر، تمایز بنیادی بین دو مکتب لیبرالیسم و سوسیالیسم را به خوبی نشان می‌دهد؟

- ۱ جامعه چیزی جز مجموع افراد نیست
- ۲ جامعه یعنی تجمع افراد جامعه با هدف مشترک
- ۳ وابستگی حیثیت اجتماعی به وجود آن جامعه
- ۴ وابستگی وجود جامعه به وجود افراد آن جامعه

۱۰۱۱ به ترتیب کدام نظریه، به درستی توصیف کننده عقیده لیبرالیسم و سوسیالیسم در سیاست است؟

- ۱ اصالت فرد - اصالت فرد و اصالت جامعه
- ۲ اصالت جامعه - اصالت فرد
- ۳ اصالت جامعه - اصالت فرد و جامعه

۱۰۱۲ همه گزینه‌ها، به فلسفه علوم اجتماعی اشاره می‌کند به جز گزینه .....

- ۱ آیا جامعه اصالت دارد یا فرد؟
- ۲ گروهی از فیلسوفان پیرو اصالت فرد هستند و جامعه را مجموعه‌ای از افراد می‌دانند که در کنار هم زندگی می‌کنند.
- ۳ سوسیالیسم در سیاست به معنی منافع جمع را در اولویت قرار دادن است.
- ۴ گروهی از فیلسوفان معتقدند که افراد یک جامعه نقش و هویت مستقلی ندارند و اندیشه‌ها و تصمیم‌گیری‌های آنان تابع شرایط اجتماعی آنان است.

۱۰۱۳ اگر کسی بپرسد، «آیا جامعه اصالت و اهمیت دارد یا فرد؟» کدام مورد نمی‌تواند پاسخ درستی برای این سؤال باشد؟

- ۱ گروهی از فیلسوفان پیرو اصالت فرد هستند و جامعه را مجموعه‌ای از افراد می‌دانند که در کنار هم زندگی می‌کنند.
- ۲ گروهی از فیلسوفان معتقدند، افراد یک جامعه نقش و هویت مستقلی ندارند و اندیشه‌ها و تصمیم‌گیری‌های آنان تابع شرایط اجتماعی آنان است.
- ۳ گروهی از فیلسوفان قائل به اصالت فرد و جامعه، توأمان هستند و معتقدند افراد تحت تأثیر عوامل اجتماعی، قدرت تصمیم‌گیری را از دست نمی‌دهند.
- ۴ گروهی از فیلسوفان معتقدند گرچه جامعه صرفاً جمع افراد است، اما با گرد هم آمدن افراد، روح جمعی در جامعه شکل می‌گیرد.

۱۰۱۴ چند مورد از عبارات‌های زیر نادرست است؟

- الف) دو دیدگاه طرفداران اصالت فرد و اصالت جامعه در فلسفه علوم اجتماعی، تأثیر زیادی در شیوه بررسی مسائل اجتماعی توسط جامعه‌شناسان دارد.
- ب) لیبرالیسم در برنامه‌ریزی‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی، بیشتر به منافع و رشد جمع توجه دارد.
- ج) اگر روح جمعی در جامعه شکل گیرد، می‌تواند بر افراد جامعه تأثیر بگذارد و آن‌ها را از ویژگی‌ها و ساختار جامعه متمایز نماید.
- د) آن‌چه در فلسفه‌های مضاف پذیرفته شود، اساس و شالوده نظریات معرفت‌شناسی قرار می‌گیرد.

- ۱ ۲ ۳ ۴

۱۰۱۵ کدام عبارت درست است؟ (سراسری ۹۹)

- ۱ رشته‌های مختلف دانش، رابط فلسفه اولی با فلسفه‌های مضاف هستند.
- ۲ در حیطه فلسفه سیاست، یک فیلسوف در عین حال باید سیاستمدار هم باشد.
- ۳ فلسفه اولی بخش اصلی فلسفه است که ریشه و شاخه‌های فلسفه را در بر می‌گیرد.
- ۴ مکتب‌های گوناگون تربیتی عصر حاضر، در آثار بسیاری از فیلسوفان قدیمی ریشه دارد.

۱۰۱۶ هر کدام از موارد زیر مربوط به کدام یک از دیدگاه‌های فلسفی‌اند؟

- |  |  |  |
|--|--|--|
| الف) مالکیت دولتی                      | ب) تعاونی‌های اقتصادی                  | ج) سرمایه‌داری                         |
| ۱ اصالت توأمان، اصالت فرد، اصالت فرد   | ۱ اصالت توأمان، اصالت جامعه، اصالت فرد | ۱ اصالت توأمان، اصالت جامعه، اصالت فرد |
| ۲ اصالت جامعه، اصالت توأمان، اصالت فرد | ۲ اصالت جامعه، اصالت توأمان، اصالت فرد | ۲ اصالت جامعه، اصالت توأمان، اصالت فرد |

۱۰۱۷ کدام یک از ویژگی‌های زیر مربوط به دیدگاهی است که اصالت فردی و جمعی را در کنار هم می‌پذیرد؟

- ۱ تقدم منافع جمعی بر منافع فردی
- ۲ دارا بودن قدرت تصمیم‌گیری و تغییر جامعه
- ۳ سمت و سو داشتن اجتماعی برنامه‌های فرهنگی
- ۴ هویت مستقل نداشتن افراد یک جامعه

۱۰۱۸ در خصوص فلسفه علوم اجتماعی کدام گزینه درست است؟

- ۱ پیروان اصالت فرد جامعه را مجموعه‌ای از افراد می‌دانند که کنار هم زندگی می‌کنند.
- ۲ پیروان اصالت فرد معتقدند که افکار و اندیشه و تصمیم‌گیری افراد تابع شرایط اجتماعی آنان است.
- ۳ پیروان اصالت فرد معتقدند که افراد نقش و هویت مستقلی از جامعه ندارند.
- ۴ پیروان اصالت فرد برای منافع جامعه ارزش مستقلی قائل هستند.

۱۰۱۹ کدام گزینه به فلسفه علوم اجتماعی اشاره دارد؟

- ۱ از ریشه‌های فلسفه است.
- ۲ مبانی علم جامعه‌شناسی را بررسی می‌کند.
- ۳ در آن به اصالت اجتماع تأکید می‌شود.
- ۴ بررسی آن از عهده فیلسوفان خارج است و دانشمندان خاص این علم باید این مسئولیت را به عهده بگیرند.